

▼ نقاشی رازها

معلم آغازین اش، پدرش بود که نقش مهمی در هدایت زندگی او به ورطه‌ی هنر داشت. او بعدتر به کارگاه میرزا آقا امامی و عیسی بهادری رفت. بهره‌گیری از این اساتید به همراه تحصیلات آکادمیک‌اش در ایران و اروپا، سبب شد تا او بنیان‌گذار مکتب خاص خود در نقاشی ایرانی باشد. مکتبی که همپایه با فرم‌های کلاسیک، تکنیک‌های نوین را در جهت توسعه‌ی نقاشی سنتی به کار گرفته است و ضمن احترام عمیق به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی نقاشی ایرانی که قرن‌ها بر مبنای مفاهیم اسطوره‌ای، مذهبی و ادبی شکل گرفته بود، توانست ساختارهای سنتی را بازتعریف کند و نگارگری ایرانی را از سطحی وابسته به ادبیات به هنری مستقل، خودبسنده و جهانی ارتقاء دهد.

آثار فرشچیان ترکیبی از خطوط نرم، روان و پیوسته با ترکیب‌بندی‌هایی دقیق و پر از پیچیدگی‌های هندسی دایره‌وار بود. در تمام طرح‌هایش بر منحنی‌ها و مدور بودن تأکید داشت که از نظرش: «زندگی در حال چرخش و گردش است و تمام هستی در حال حرکت بر سبیری دایره‌وار است.» این خطوط و فرم‌ها نه‌تنها نقش‌های تزئینی و زیباشناسانه داشتند، بلکه حامل نمادها و اشارات معنوی و درونی بودند که اثر را زالواز می‌کرد و مخاطب را به تفکری عمیق‌تر در باره مضامین مذهبی و فلسفی دعوت، رنگ‌بندی در آثارش نیز به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌ها شناخته می‌شود؛ رنگ‌های درخشان، موج و زنده‌ای که به‌صورت لایه‌لایه و با دقت فراوان به کار رفته است.

او برای این خلق آثارش از همه‌چیز مدد می‌گرفت: از شعر کلاسیک فارسی، مفاهیم عارفانه، آیات قرآن کریم، حتی متون مقدس مسیحیان و یهودیان و البته تخیل خلاقانه‌ی خود. در ۳۳ سالگی تابلوی حضرت موسی (ع) را نقاشی کرد. در ۴۶ سالگی تابلوی عصر عاشورا را به تصویر کشید. در ۶۱ سالگی تابلوی امام زمان (دیدار) را رسم کرد و در ۶۵ سالگی تابلوی مناجات و در ۶۷ سالگی، تابلوی حضرت ابراهیم علیه‌السلام و نیز در ۷۲ سالگی تابلوی قصه‌ی یوسف را خلق کرد. در این میان، تابلوهایی نیز برای مولود کعبه، یتیم‌نوازی حضرت علی(ع)، حضرت علی اصغر(ع)، تابلوی ضامن آهو و اولین پیام (غار حرا) را کشید.

در این سال‌ها، بسیاری، تابلوهای مذهبی او را حاصل دوران کنونی می‌دانستند، درحالی‌که او حتی در سال‌هایی که در آمریکا زندگی می‌کرد، همواره ارادت خود را به اهل بیت نشان داد و بسیاری از بزرگ‌ترین آثارش به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد.

این آثار هم‌اکنون بخشی از هویت فرهنگی ایرانیان است. یکی از برجسته‌ترین آثارش (ضامن آهو) در سبک نگارگری ایرانی با تکنیک اکریلیک روی مقوای بدون اسید، به داستان مشهوری از زندگی امام رضا (ع) اشاره دارد؛ داستانی که در آن آهویی به پای حضرت می‌افتد و امام از شکارچی می‌خواهد، آهو را رها کند. در این اثر نور به‌گونه‌ای ترسیم شده که علاوه بر صورت، در تمام بدن امام رضا (ع) جاری است و خطوط تابلو به‌سمت حضرت متمایل شده‌اند، درواقع همه‌ی خطوط و نقوش تابلو و عناصر آن متوجهی حضرت است که در سمت راست بالای تابلو در هاله‌ای از نور قرار دارد. پرسوناژ امام نیز از لحاظ رنگ و فرم، طوری قرار گرفته که در فراز بوده و باقی عناصر در فرود است. این تابلو یکی از شاهکارهای نگارگری مذهبی ایران محسوب می‌شود.

او سال‌ها بعد تابلوی «ضامن آهو ۲» را خلق و آن را

و هم قابل فهم برای مخاطب معاصر بودند. منتقدان هنر در جهان، فرشچیان را هنرمندی می‌دانند که توانسته شرق و غرب را در آثارش به هم پیوند دهد. برخی رسانه‌های معتبر غربی مانند The New York Times، Artnews و BBC، بارها درباره او نوشته و آثارش را ستوده‌اند. او به‌عنوان سفیری موفق برای هنر ایران، پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها و دوره‌ها شد. با درگذشت محمود فرشچیان، ایران یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان خود را از دست داد.

اما میراث او به‌واسطه آثار فراوان و تأثیرگذاری که بر نسل‌های بعدی داشته است، زنده خواهد ماند. تابلوهای فرشچیان همچنان در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در سراسر جهان درخشیده و منبع الهام هنرمندان خواهد بود. محمود فرشچیان نه‌تنها نگارگری را به دوران معاصر آورد، بلکه معنای آن را گسترش داد. او نشان داد که هنر می‌تواند پلی باشد میان سنت و مدرنیته، میان شرق و غرب، میان تاریخ و زمان حال. در قاب‌های رنگارنگ و خطوط سیال آثارش، تاریخ، عرفان، شعر و موسیقی ایرانی تنیده شده‌اند و این هنر جوادانه را به یادگار گذاشته است. یکی از جوه بر جسته آثار فرشچیان، تأکید او بر بُعد معنوی و عرفانی نگارگری است. او معتقد بود که هنر ایرانی نه‌صرفاً تکرار تصاویر تاریخی بلکه انتقال مفاهیم عمیق انسانی و کیهانی است. در آثارش این نگاه معنوی را می‌توان در انتخاب رنگ‌ها، حرکات خطوط و ترکیب‌بندی‌های پیچیده دید که مخاطب را به تأمل و سکوت دعوت می‌کند. علاوه بر این، فرشچیان تلاش کرد تا فضای نقاشی‌هایش را به‌گونه‌ای ایجاد کند که بیننده حس حضور در فضای مقدس یا داستانی اسطوره‌ای را داشته باشد. این رویکرد در بسیاری از آثار مذهبی و تاریخی او دیده می‌شود که با احساس شاعرانه و نگاه مدرن همراه است. از منظر تکنیکی، فرشچیان به مواد و رنگ‌های باکیفیت

هم‌زمان با ولادت امام رضا (ع) به موزه آستان قدس رضوی اهدا کرد. ارادت فرشچیان به هشتمین امام شیعیان، تنها به این موارد خلاصه نمی‌شود. در اوایل دهه ۷۰ بود که طراحی ضریح جدید امام رضا علیه‌السلام را به او سپردند، اما پیش از این پیشنهاد، دست او آسیب جدی دیده بود. روایتی که فرشچیان دارد این است که وقتی طراحی ضریح را شروع می‌کند، به‌صورت معجزه‌آسایی دست او که نیاز به جراحی داشته، خوب می‌شود و دیگر هیچ دردی حس نمی‌کند. فرشچیان این شفا را لطف الهی و عنایت حضرت می‌داند. او هیچ صله و دست‌مزدی برای طراحی ضریح قبول نکرد و حتی تسبیح تزئین شده با سنگ یاقوت احمر را که به‌رسم تشکر به او داده بودند، به نیت انداختن داخل ضریح پس داد و گفت، وقتی برای امام رضا علیه‌السلام کار می‌کنیم، باید چیزی به ایشان بدهیم.

او پنجمین کسی است که در ایران، ضریح امام رضا (ع) را طراحی کرده است. نخستین ضریح در دوره‌ی شاه طهماسب صفوی، با نقش سوره‌ی «هل اتی» به خط ثلث طراحی شد و ضریح دوم، مرصع فولادی و معروف به ضریح نگین نشان است که با وقف شاه‌رخ، نوه‌ی نادرشاه افشار طراحی شده بود که دوهزار رقبه‌ی مربع‌شکل مزین به یاقوت و زمرد داشت. ضریح سوم، ضریح ساده و فولادی بوده که در عصر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار روی ضریح نگین نشان نصب شد. ضریح چهارم، معروف به ضریح طلا و نقره یا شیر و شکر در سال ۱۳۳۸ هـ ش ساخته شده که بعد از برداشتن ضریح سوم و انتقال آن به موزه، روی ضریح نگین نشان نصب شد. این ضریح دارای ۱۴ دهانه به‌نیت ۱۴ معصوم بود که در جریان بمب‌گذاری سال ۱۳۷۵ دچار آسیب‌های شدیدی شد.

اما پس از طراحی ضریح کنونی، استاد خدازاده‌ی اصفهانی کار قلم‌نرین آن را برعهده گرفت و ساخت‌اش هفت سال به طول انجامید. فرشچیان، در طراحی این ضریح، تکیه بر اسماء‌الله داشته و عناصر هنر ایرانی به‌شکل کامل در آن دیده می‌شود. در چهار طرف آن، جمعاً ۱۴ محراب وجود دارد، نقطه‌ی عطف این ۱۴ محراب، قسمت فوقانی قوس اصلی محراب است که به کلمه‌ی جلاله‌ی «الله» ختم می‌شود.

علاوه بر آن طراحی تمام گل‌ها و برگ‌ها براساس دو عدد پنج (نماد پنج‌تن) و هشت (یادآور امام هشتم) است. «یا ارحم الراحمین»، «یا اکرم الاکرمین»، «یا اسمع السامعین»، «یا قاضی الحاجات» و... نیز در این طراحی به کار رفته است. فرشچیان در تابلوی «پنجمین روز آفرینش» نیز از نگارگری با تکنیک اکریلیک بهره برده و آن را براساس آیات متعدد قرآن درباره‌ی شش روز آفرینش جهان طراحی کرده و پرندگان رنگارنگ در آسمان و ماهی‌ها در دریای تلاطم را به تصویر درآورده که می‌توان آن را ترکیبی از واقعیت و خیال دانست.

«شمس و مولانا» دیگر اثر شاخص فرشچیان است که هم‌اکنون در کاخ سعدآباد نگهداری می‌شود. این تابلو با الهام از شعر معروف «از دیو دد ملولم و انسانم آرزوست» شکل گرفته و تلاش دارد رابطه معنوی مولانا و شمس تبریزی را به تصویر بکشد. در این اثر، سر شمس به‌صورت خورشیدی و جهان گیر طراحی شده و مولانا روی کره‌زمین نقش شده است. این تابلو با هدف مقابله با تلاش برخی کشورها برای مصادره‌ی هویت فرهنگی و ادبی این دو شخصیت بزرگ خلق شده و در سال نام‌گذاری جهانی به‌نام مولانا توسط یونسکو، رونمایی و به‌نمایش درآمد.

یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۸۵۵
www.hammihanonline.ir

اما نمی‌توان از آثار فرشچیان گفت و از «عصر عاشورا» نگفت. تابلویی که روایت غم‌انگیزی از وقایع عاشوراست که به‌صورت نمادین و بدون نمایش چهره‌ها، رنج و اندوه بازماندگان را نشان می‌دهد. زنانی در کنار اسب بدون سوار در میدان جنگ، گریه می‌کنند و نشانه‌هایی از مصیبت و شهادت امام حسین (ع) و همراهانش دیده می‌شود. هنرمند در این اثر با استفاده از رنگ‌های ملایم، فضایی معنوی و متأثرکننده خلق کرده است و می‌توان ترکیب رنگ ارغوانی به‌جای رنگ سیاه در چادرهای زنان را نماد معنویت و سکوتی مقدس قلمداد کرد. خطوط سیاه و سفید اثر، مدور بودن کل طرح و ختم شدن تمام خطوط طرح به وجود مقدس حضرت زینب سلام‌الله‌علیها از ویژگی‌های این اثر است.

او این اثر را سه‌سال پیش از انقلاب و زمانی که توصیه‌ی مادرش برای روضه رفتن را شنید، بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای خلق کرد. او بعدها در روایت‌هایش از کشیدن این اثر عظیم گفت که این تابلو بدون هیچ تغییری همان‌طور که در ابتدا کشیده شده، باقی مانده است و حتی پس از سال‌ها، اگر دوباره آن را می‌کشید، به همین شکل در می‌آمد.

▼ نگارگری زنده به اوست

نقش استاد محمود فرشچیان در هنر ایران، فراتر از خلق آثار هنری بی‌نظیر است؛ او به‌عنوان یک پیشگام و مرجع در احیای نگارگری ایرانی به‌ویژه در بازتعریف این هنر اصیل، نقشی بنیادین داشته است و با انتقال این دانش گسترده، چه در قالب کتاب و چه در مقام معلم، مهارت‌های فنی و بینش هنری خود را به نسل‌های جدید هنرمندان منتقل کرده است.

او با ایجاد نگرشی باز نسبت به عناصر بصری نگارگری کلاسیک مانند نقش‌ها، خطوط ظریف، رنگ‌آمیزی لایه‌ای و پرداخت‌های ظریف، زمینه را برای توسعه‌ی تکنیک‌های مدرن فراهم کرد؛ تکنیک‌هایی که ضمن حفظ روح نگارگری سنتی، امکان خلق ترکیب‌بندی‌های پیچیده‌تر، فرم‌های متنوع‌تر و مفاهیم عمیق‌تر را می‌دادند. به این ترتیب، فرشچیان نقاشی نگارگری را از محدودیت‌های تاریخی آن رها ساخت و آن را به‌عنوان هنری زنده، پویا و قابل تطبیق با نیازهای معاصر معرفی کرد.

فرشچیان همواره بر نقش آموزش تأکید داشت، چنان‌که می‌گفت: «من از ۷ سالگی در کارگاه حاج میرزا آقا امامی بهره زیادی از استعداد خود بردم، اما متأسفانه استعداد نسل جدید در شرایط کنونی، هرز می‌رود. تأثیر این موضوع بر ایران و هنر ایرانی هم مشهود است. به نظر من، نوعی سهل‌انگاری و آسان‌یابی در کارها هست. یک هنرمند می‌تواند بنشیند، طراحی کند، کار کند و قانع نباشد. باید جوانان به این مسئله آگاه باشند که هر کاری که می‌کنند، بهتر و بالاتر از آن هم هست، پس باید آن را بخواهند.» درواقع فرشچیان در مقام استاد و مربی، روشنگر راهی بود که در آن هنر نگارگری از انحصار تکنیک‌های سنتی و محدودیت‌های تاریخی خارج شده و به‌عرشه‌های جدیدی از خلاقیت، بیان فردی و هنری ورود کرد. او نسلی از نگارگران نویسن را تربیت کرد که هریک با دیدگاه و سبک خاص خود، ادامه‌دهنده‌ی راه او و توسعه‌دهنده‌ی هنر نگارگری در عصر حاضر هستند. این نسل جدید با تلفیق دانش کلاسیک و تجربیات مدرن، توانسته است تنوع و غنای بیشتری به هنر نگارگری ببخشد و آن را در عرصه‌های هنری مختلف مانند تصویرسازی، هنر مفهومی و هنرهای دیجیتال به کار گیرد. بنا به وصیت استاد فرشچیان او در کنار مقبره صائب تبریزی در اصفهان آرام خواهد گرفت.



جهان هنرمند

فرشچیان خیال‌پرداز ایرانی



منتقد هنری

جالپا ویتالانی، کیورتور، درباره آثار فرشچیان می‌گوید: «بیننده به قلمرویی از واقعیت و خیال برده می‌شود. آثار هنری او به نمایش هم‌افزایی و وحدت انسان، حیوانات و طبیعت که به زندگی تبدیل شده‌اند، معروف است.»

محمود فرشچیان نه‌فقط یک نقاش، که سمبل تجدیدروح نگارگری ایرانی بود. او با نقاشی صحنه‌هایی از شاهنامه فردوسی، به نقل از خودش، سعی کرد گوشه‌هایی از وطن‌پرستی و ایران‌دوستی خود را به نمایش بگذارد و با به تصویر کشیدن صحنه عصر عاشورا و پنجمین روز آفرینش و یتیم‌نوازی حضرت علی (ع)، سمت دیگر باورهای ایرانی را، او در تمام این سال‌های پُر بار و پُر کار، روایات مختلف باور و ارزش‌های ایرانی را به تصویر کشید.

امیر رضائی‌نبرد، در مطالعه‌ای دقیق و دامنه‌دار، ۵۳۸ اثر او را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که فرشچیان در هر وجه از نگارگری ایرانی، خلاقیتی نو به کار بست و سبکی مستقل پدید آورد که می‌توان آن را «نگارگری فرشچیانی» نامید؛ سبکی در امتداد سنت اما آزاد از قیدوبند آن. به همین دلیل است که کوشانی بازرجی درباره آثار او می‌گوید: «سبک متمایز او باعث ایجاد مکتبی خاص شده است.» در مطالعات مرتبط، مصطفی سیاسر و همکاران در پژوهشی دیگر نشان داده‌اند که فرشچیان با خلق یک هویت بصری ویژه برای موضوعات ایمانی، موضوعاتی که سال‌ها از صحنه هنر معاصر دور مانده بود، آنها را وارد گفتمانی معنوی و شخصی کرد. ازسوی دیگر اما او نه‌فقط سمبل تجدید روح نگارگری که هنرمندی به‌تغییر سیدحسین نصر، هنر قدسی نیز محسوب می‌شود. مهم‌ترین هنر در نظرگاه سنتی و در نظر نصر، «هنر قدسی» است. هنر قدسی در تمدن‌های سنتی، تamadami که اصول معنوی آن تمدن‌ها در متن جامعه‌شان جاری و ساری بوده، همواره حضوری چشمگیر و پربرکت داشته است. در این تفکر هنر مقدس برای نگارش زیباشناختی و آویختن در موزه و نمایشگاه به‌وجود نیامده است، بلکه این هنر ما را به معنویت و به سوی خداوند اهربری می‌کند. به قول نصر: «برای درک هنر قدسی باید معنای امر قدسی و نیز معنای هنر را درک کرد، هنری که امروز از زندگی انسان جداشده و به انزوا ی بناهایی موسوم به موزه تبعید شده است. امر قدسی را هم باید در سایه بینش سنتی نسبت به واقعیت-اعم از واقعیت کیهانی و فراقیهانی- شناخت.» به‌طور کلی آنچه در هنر قدسی حائز اهمیت است، محتوا و کاربرد اثر هنری است. این هنر باید به وجدیاورد، زیبا باشد، اثر بگذارند و در مکان‌های عمومی جایگاهی داشته باشد. سرانجام رسالت هنر مقدس باید کمک به رستگاری و رهایی انسان باشد. فرشچیان نزدیک‌ترین هنرمند به این نوع نگاه و رویکرد بود.

اما در چشم منتقدان جهانی هم فرشچیان همواره به‌دلیل نمایندگی سلیقه سنتی ایرانی در جهان، ستایش‌آمیز دیده شد. مثلاً مدیر دیارتمان هنر ایرانی در Hindustan Times این‌طور می‌گوید: «او ما را تنها به دیدن گل دعوت نمی‌کند، بلکه به درک عطرش و می‌دارد؛» نگاهی استعاری که نگوهرش تصویری را به‌معنای شاعرانه تبدیل می‌کند، شاید بیشترین تأثیر را فرشچیان بر نقاشی هند گذاشت. سلیقه هندی‌ها با نگاری گری معنوی ایرانی همخوان بود و آنها را به سمت او می‌کشاند. ریچارد آیتینگهاوزن از موزه متروپولیتن با تمجید درباره او گفته: «آثاری که فرشچیان خلق می‌کند، در سنت اصیل نقاشان بزرگ ایرانی است، به‌خاطر طراحی‌های استثنایی، تنوع رنگ و حس ذاتی تزئین‌گری.» ایسن ترکیب نگاه‌های متقاطع -تحلیل نظری ایرانیان و زبان استعاری نقد غرب- فرشچیان را نه در چارچوب تکرار یا میراث‌داری صرف، بلکه در ناحیه‌ای میان تاریخ و فردیت قرار می‌دهد؛ شخصی که با کسوتی سنتی، تئوری نو ساخت و تصویر را مرز عبور به فضاهای نوین نگاشت. در این فلسفه‌ی رنگ و خط، نقدهایی هم بود. برخی معتقدبودند که سبک‌اش آن قدر شخصی بود که مکتبی را به همراه نیاورد، و تکرار فرم‌ها گاه تازگی آثار را افدازد کرد. اما شاید خود این، تناقض مرز استاد و منفردبودن اوست؛ هنرمندی که نه در قفسی از معیارهای می‌اند، نه به اقلیتی تبدیل شد که فقط «آثارش بارها دیده شود.» جالپا اچ ویتالانی درباره او می‌گوید: «بیان هنری فرشچیان حول مفاهیم روانشناختی و نشانه‌شناسی متمرکز است. هر اثر هنری، داستانی را درهمی آمیزد که از عرفان ایرانی سرچشمه می‌گیرد و پیام‌های ناخودآگاهی را برای بیننده به همراه دارد.» او یادمان داد که هنر می‌تواند هم در اوج معنویت باشد، هنر نظر‌ب‌ای در ادامه سلیقه و خواست مردم بماند. هنر می‌تواند از درون سنتی وفادار به گذشته باشد و در عین حال شکلی به‌سمت جهان‌های بصری جدید ایجاد کند.